



انترناسیونال

۶۱

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه، ۲۲ آبان ۱۳۸۳، ۱۲ نوامبر ۲۰۰۴

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سردبیر: محسن ابراهیمی

جانباختن یک کودک و
یک جوان زیر ضربات شلاق
صفحه ۶

یاد نبز عزیز
گرامی باد
صفحه ۵

در حاشیه اخبار
ناصر اصغری
صفحه ۵

در حاشیه رویدادهای
کاظم نیکخواه
صفحه ۶



۱۶ آذر
روز آزادی و برابری
روز نه
به جمهوری اسلامی است!

صفحه ۴

حمید تقوایی

ستون اول

۱۶ آذر
باید با نام
آزادی و برابری
ثبت شود

در گذشت عرفات
پایان یک دوره در جنبش فلسطین!

صفحه ۴

بمباران مردم بیدفاع فلوجه
محکوم است!

صفحه ۴



یاسر عرفات در گذشت!

علی جوادی

بوقت پاریس در سن ۷۵ سالگی
بر اثر ابتلا به یک بیماری
ناشناخته در یک بیمارستان
نظامی در اطراف پاریس پس از
فرورفتن در کوما درگذشت. قرار

قهرمان و لیدر تاریخی و
شخصیت کلیدی خود را در سطح
بین المللی از دست داد. یاسر
عرفات در ساعت ۳:۳۰ دقیقه
بامداد روز پنجشنبه ۱۱ نوامبر

یاسر عرفات رئیس حاکمیت
خودگران فلسطینی و رهبر
سازمان آزادیبخش فلسطین و
سازمان الفتح در گذشت. با مرگ
عرفات جنبش ملی فلسطین

صفحه ۲



چند حرکت اعتراضی مهم از سوی کارگران

شلا دانشفر

از توازن قوای سیاسی جدیدی در
جامعه بود. اما در میان این
اعتراضات چند نمونه آن
برجستگی خاصی داشت و حاکی

هستیم. در دو هفته اخیر حرکات
اعتراضی متعددی از سوی
کارگران انجام گرفت که هر کدام
از این حرکات به نوع خود حاکی

در شرایطی که جامعه در التهاب
مبارزه بسر میبرد ما شاهد اتفاق
افتادن حرکات اعتراضی مهمی
در محیطها و مراکز کارگری

صفحه ۳

۱۶ آذر را باید به اسم روز آزادی و برابری به
ثبت رساند. ۱۶ آذر عملاً با خواست و شعار
آزادی و برابری عجین شده است، باید به این
واقعیت رسمیت بخشید. در ۱۶ آذر سال
گذشته پرچم سرخ آزادی و برابری در دانشگاه
تهران به اهتزاز در آمد و با این شعار جنبش
دانشجویی اعلام کرد که چه می خواهد و برای
چه می جنگد. اما از سالها قبل نیز، از همان
اولین ۱۶ آذر در ۵۰ سال قبل، مضمون و
خواست اصلی اعتراضات دانشجویی چیزی
جز آزادی و برابری نبوده است. این شعار
بیانگر "نه" بزرگ دانشجویان به نظام نابرابر و
تبعیض و اختناق زده سرمایه داری تحت لوای
اسلام و سلطنت و یا هر نام و شکل دیگری
است. این خواست و آرمان اکثریت قریب به
اتفاق جامعه است که از زبان دانشجویان اعلام
میشود. ۱۶ آذر روز اعتراض کل جامعه به
اختناق و نابرابری از زبان دانشجو و در اتحاد
با صف دانشجویان است. روز دانشجو را کل
جامعه به عنوان روز اعتراض به اختناق و
نابرابری بزرگ میدارد.

۱۶ آذر روز همبستگی جنبش دانشجویی
با جنبش کارگری و جنبش آزادی زن است.

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

یاسر عرفات درگذشت

طلب خواهد کرد.

پی آمدهای مرگ عرفات چیست؟ بدون تردید حفره ای در راس حاکمیت خودگردان فلسطینی ایجاد شده است. چه کسی جانشین عرفات خواهد شد؟ بعید به نظر میرسد که تک نفری چنین موقعیتی را بتواند ایفا کند. عرفات در لیدرشیپ جنبش ملی فلسطین از موقعیت منحصر بفردی برخوردار بود. آنچه اعلام شده این است که پس از عرفات رئیس پارلمان فلسطین، راوی فتوح، ریاست حاکمیت خودگردان را برای ۶۰ روز در اختیار خواهد داشت. پس از آن انتخابات در مناطق فلسطینی باید تکلیف ریاست حاکمیت خودگردان فلسطینی را تعیین کند. اما این جنبه صوری و حقوقی تعیین تکلیف سیاسی و پر کردن خلایی است که با مرگ عرفات در صحنه سیاست فلسطین ایجاد گشته است. این چهارچوبها تماما متأثر از موقعیت متقابل نیروهای سیاسی حاضر در صحنه سیاست در فلسطین است. این قالبها و توافقات به شدت شکننده و ناپایدار هستند. تهاجمات سیستماتیک اسرائیل و عملیات انتحاری اسلامبیستها از طرف دیگر شرایط سیاسی و موقعیت نیروهای درگیر را هر لحظه دچار نوسانات بسیاری خواهد کرد. برای درک جوهر تحولات آتی باید به موقعیت جنبشهای اجتماعی نگاهی انداخت. این نیروها اساسا به

دو کمپ عمده سازمانیافته تقسیم میشوند: نیروهای جنبش ملی فلسطین که در زیر چتر سازمان آزادیبخش فلسطین گرد آمده اند و شاخه های مختلف جنبش ارتجاع اسلام سیاسی از بخشهای متشکل و اساسی این جنبش هستند. اما کمپ سومی هم وجود دارد. این کمپ سوم را مردمی تشکیل میدهند که به هیچکدام از این دو کمپ تعلق نداشته و آرمانها و آمال خود را در این جنبشهای ناسیونالیستی و یا جنبشهای اسلامی نمی یابند. این کمپ سوم نیروی قابل ملاحظه ای است، هر چند که چندان متشکل نیست و رهبری شناخته شده ای در حال حاضر ندارد. سرنوشت واقعی سیاسی تحولات آتی فلسطین را موقعیت این جنبشهای اجتماعی و کشمکش آنها از یکطرف و تقابل آنها با ارتجاع حاکم بر اسرائیل تعیین خواهند کرد.

بدون تردید موقعیت سیاسی و دیپلماسی در فلسطین در غیاب عرفات دچار تغییر و تحولاتی قابل ملاحظه و شتاب بیشتری خواهد شد. تعادل کنونی با مرگ عرفات بر هم خورده است. از هم اکنون جنبش اسلامی و نیروهایی از جمله حماس در حاکمیت خودگردان و چنگ انداختن بیشتر بر سرنوشت مردم فلسطین هستند. در سوی دیگر جنبش ملی ناسیونالیستی فلسطین دچار دست اندازهای ناشی از خلاء عرفات گشته و شکاف میان گرایش راست پروغربی این جنبش از یکسو و گرایش میلیتانت و آنتی "امپریالیستی" آن از سوی دیگر عمیقتر خواهد شد. در حال حاضر گرایش ناسیونالیست میلیتانت رهبری خود را در سیمای مروان برغوتی که در زندان اسرائیل بسر میبرد جستجو میکند. گرایش پروغربی این جنبش ناسیونالیستی کم و بیش به گرد چهره های اصلی این گرایش یعنی محمود عباس و احمد قریع جمع خواهند شد. محمود عباس اکنون به جانشینی عرفات در سازمان آزادیبخش فلسطین انتخاب

شده است.

اما در آن طرف مرزهای سرزمینهای اشغالی، بورژوازی آمریکا و ارتجاع اسرائیل در صدد تقویت گرایش پروغربی جنبش ملی فلسطین در پر کردن خلایی هستند که اکنون ایجاد شده است. هیات حاکمه آمریکا با درک موقعیت ویژه حاضر خواستار به جریان انداختن مجدد پروسه تشکیل دولت فلسطینی شده اند. قبلا دولت بوش در کنار آریل شارون اعلام کرده بود که تا زمانی که عرفات در رهبری دولت خودگردان فلسطین قرار دارد حاضر به مذاکره با این نیرو نیست. مساله فلسطین باید حل شود. صلح در خاورمیانه باید مستقر شود. پاسخ این مساله تنها و در درجه اول در ایجاد یک کشور مستقل فلسطینی در کنار کشور اسرائیل با کلیه حقوق منبعت از حق حاکمیت در یک کشور و برسمیت شناختن حقوق کامل مردم فلسطین است.

بیش از نیم قرن است که چند میلیون مردم سرزمینی را به بهانه های واهی "سرزمین موعود یهود" از خانه و محل سکونت خود با زور و قلدی و آتش آواره و سرگردان کرده اند. چند دهه است که هر تلاش این مردم برای تشکیل کشور مستقل با سرکوب و لشکرکشی خونین دولت نژادپرست اسرائیل و حامیان غربی آن و بورژوازی آمریکا پاسخ گرفته است. در دوران جنگ سرد مساله مردم فلسطین به یکی از محورهای تلاقی و رو در رویی قطب شرق و غرب تبدیل شد. مصائب و رنجهای این مردم ستمدیده دستمایه کشمکش این دو بلوک و صفبندی آنها شد. پایان جنگ سرد از ابعاد جهانی و کوله باری که این تخاصمات جهانی بر مساله فلسطین قرار داده بود، کاست. قرار داد صلح اسلو بر بستر این تغییر و تحولات جهانی ممکن شد. معادله "صلح در مقابل زمین" آن مجرای بود که این نیروهای متخاصم را به یکدیگر نزدیک کرد.

اما قرار داد صلح اسلو از دو

طرف مورد تهاجم همه جانبه ای قرار گرفت. در یک طرف نیروهای ارتجاعی اسرائیل به رهبری نتانیاهو و شارون و در طرف دیگر نیروهای ارتجاعی حماس و جهاد اسلامی به قربانی کردن طرح صلح اسلو برخاستند. دیری نگذشت که امید مردم به صلح قربانی جنگ و خصومت جریانان و گروههای ناسیونالیست و قوم پرست و مذهبی و تجاوز آشکار دولت اسرائیل شد. به سرعت آشکار شد که تحقق صلح و ایجاد دولت مستقل فلسطینی مستلزم کنار زدن و حاشیه ای کردن این جریانان دست راستی و مرتجع چه در صحنه سیاسی اسرائیل و چه در فلسطین است. به سرعت روشن شد که راست افراطی اسرائیل نیازمند تروریسم اسلامی برای توجیه بقاء و تحرك خود است. بدون وجود یکی دیگری هم دوام و قوام چندانی نخواهد داشت. آیا راه حل های امپریالیستی برای صلح این بار قادر به مهار و کنترل این دو کمپ ارتجاعی خواهد شد؟ آیا خروج عرفات از معادلات محرکی برای حل مساله فلسطین خواهد شد؟ تونی بلر برای تاکید بر پرداختن به این مساله عازم دیدار با جورج بوش است. هر چند که پاسخی تکنونی تماما مبتنی بر گتوئیزه کردن مناطق فلسطینی و ایجاد بانتوستانهای مختلف و محروم کردن این مردم ستمدیده از حقوق شهروندی بوده است.

بهر حال پاسخ هر چه باشد اما صلح پایدار مستلزم خلاصی از شر این نیروهای سوپر ارتجاعی است. راه آتی پر پیچ و خم است. موانع دستیابی به صلح بسیارند. برای حل مساله فلسطین، برای دستیابی به صلح پایدار در منطقه عدالت و سکولاریسم در هر دو سو باید پیروز شوند. برای صلح پایدار آزادیخواهان و سوسیالیستها چه در اسرائیل و چه در فلسطین باید پیروز شوند. برای پیروزی کمپ سوم، کمپ آزادیخواهی و سوسیالیست باید در جلوی صحنه قرار گیرند. این تنها امکان برای تحقق یک زندگی انسانی در فلسطین است. *

مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

از صفحه ۱

ستون اول

اعلام حمایت از جنبش کارگری يك سنت قدیمی و گرانقدر ۱۶ آذر است، اعتراض به فرودستی و بردگی زن و اعتراض به حجاب اجباری و آپارتاید جنسی نیز يك ویژگی ۱۶ آذر در سالهای اخیر بوده است. این سنتهای رادیکال و ارزنده را باید ارج گذاشت، تعمیق کرد و تداوم بخشید. ۱۶ آذر را باید همانند اول مه و ۸ مارس بزرگ داشت. روز دانشجو روز آزادی و برابری است، همانطور که روز کارگر روز اتحاد جهانی کارگران علیه سرمایه داری است و روز زن روز اعتراض علیه نابرابری زن و مرد است. ۱۶ آذر را باید در

لیست روزهای بزرگ، روزهای آزادیخواهی و برابری طلبی، روزهای اعتراض رادیکال به کل نظام و وضعیت موجود، روزهای چپ، به ثبت رساند. ۱۶ آذر روز شعار "زن، کارگر، دانشجو، اتحاد، اتحاد" است. ۱۶ آذر روز اعتراض به حجاب اجباری و آپارتاید جنسی است. ۱۶ آذر روز شعار "سوسیالیسم پیاخیز برای رفع تبعیض" است. ۱۶ آذر روز اعتراض کل جامعه به جمهوری اسلامی است. روز دانشجو روز بزرگ آزادی و برابری است. با تمام شور و توان خود به استقبال ۱۶ آذر برویم. *

از صفحه ۱

چند حرکت اعتراضی مهم از سوی کارگران

سخنی با خوانندگان انترناسیونال

خوانندگان عزیز انترناسیونال

انترناسیونال نشریه همه کسانی است که خواهان دنیایی رها از نابرابری، فقر، تبعیض، خفقان سیاسی و خفان فرهنگی هستند. انترناسیونال صدای همه انسانهایی است که خواهان آزادی، برابری و رفاه هستند.

به انترناسیونال از مبارزات محیط کار و زندگیتان گزارش بفرستید. برای انترناسیونال نامه بنویسید. نظرات و سئوالاتتان را با نویسندگان انترناسیونال در میان بگذارید.

انترناسیونال به گرمی از سئوالات، نظرات و نامه های شما استقبال میکند

بیکاری پرداخت گردد. راه فوری مبارزه علیه این بیکارسازیها اتحاد کارگری علیه بیکاری و مبارزه متحد کارگران شاغل و بیکار علیه بیکارسازیهاست. مبارزه کارگران ذوب روی به کارگران راه نشان میدهد.

۵۰ ساعت تحصن در نساجی سنندج

در نهم آبانماه شاهد تحصن کارگران نساجی سنندج در اعتراض به اخراجا بودیم. تحصن کارگران نساجی در سنندج تمام شهر را به حرکت در آورد. کمیته حمایت از کارگران تشکیل شد. اطلاعیه های این کمیته در تمام شهر و بر درب دانشگاهها نصب شد. خانواده های کارگران فعالانه به جلب حمایت از کارگران پرداختند. از شهرهای دیگر از سقز و تهران و ماهشهر و تبریز جمعهای مختلف پیامهای حمایتی دادند. ابعاد چنین سطحی از همبستگی و اتحاد چهره جدیدی به این حرکت اعتراضی کارگران داد. رژیم کارخانه را به محاصره درآورد اما ناگزیر بود از ترس بر پا شدن شورش در یک شهر دست به عصا باشد.

این تحصن تمام شد. اما کارگران با کوله باری از تجربه و متحدتر و متشکل تر از قبل از درون آن بیرون آمدند. در این حرکت اعتراضی کارگران اگرچه به همه خواست خود نرسیدند و اعتراض آنان اساسا علیه اخراج و خواست هشت ماه حقوق در ازای هر سال کار بود، اما توانستند عقب نشینی هایی را تحمیل کنند. از جمله کارفرما که در ابتدا گفته بود که کارگران را در ازای هر سال ۳ ماه حقوق از کار بیکار خواهد کرد، بعد از مبارزه و اعتراض کارگران، پذیرفت که در ازای هر سال چهار ماه و نیم بپردازد. کارگران تحت فشار و خطر حمله نیروهای انتظامی ناگزیر شدند به تحصن خود خاتمه دهند، اما اعلام کردند که خواسته های خود را پیگیری خواهند کرد و هم اکنون خود را برای حرکت بعدی آماده میکنند. هم اکنون جنب و جوش اعتراضی در این کارخانه بالاست. نکته قابل توجه در این حرکت اعتراضی همبستگی وسیع مردم با

سه ساله اخیر مبارزه کارگران علیه اخراجها و بیکارسازیها بوده است. طرح تعدیل نیروی انسانی، واگذاری کارخانجات به بخش خصوصی، اصلاح ساختار صنایع همه و همه عناوینی بوده که به بهانه آن کارگران را دسته دسته از کار بیکار کرده و با قراردادهای موقت و سفید امضا دوباره آنها را بکار گرفته اند. بطوریکه گفته میشود هم اکنون ۶۶ درصد کارگران در ایران بصورت استخدام قراردادی و موقت کار میکنند.

طی این چند سال اعتراض علیه بیکارسازیها وسیع و هر روزه بوده است، اما اعتصاب کارگران کارخانه ذوب روی در قشم در هرمزگان مهم بود چون در این حرکت اعتراضی کارگران شاغل در کارخانه در حمایت از کارگران بیکار شده دست به اعتصاب زده و خواهان بازگشت فوری آنها به کار شدند. کارگران ذوب روی میدانند که اخراج تعدادی از همکارانشان زنگ خطری است برای تهدید موقعیت شغلی آنها و تحمیل شرایط کاری دشوار تر بر گرده آنان. کارگران شاغل در ذوب روی میدانند که با تهدید به همین بیکارسازیهاست که کارفرمایان توانسته اند در این کارخانه ساعت کار را به ۱۲ ساعت در روز بکشاند و کارگران ناگزیر باشند ماهانه ۱۲۰ ساعت اضافه کاری اجباری داشته باشند. کارگران شاغل در ذوب روی قشم میدانند که تحت فشار همین اخراجهاست که به کارگران در این کارخانه سخت ترین شرایط کاری را تحمیل کرده اند و امروز جان آنان بخاطر سر و کار داشتن با مواد شیمیایی و سمی در خطر است. اینها همه امروز موضوع اعتراض کارگران در این کارخانه است. کارگران در این کارخانه راه درست مبارزه را بازیافته اند. اتحاد کارگری علیه بیکاری پاسخ واقعی کارگران علیه بیکارسازیهاست.

کارخانه ذوب روی در قشم منحصر به فرد نیست. این وضعیتی است که ما در سراسر ایران و در کارخانجات دیگر مانند ایران خودرو و دهها و صدها کارخانه دیگر شاهدیم. باید در مقابل بیکارسازیها ایستاد. باید اخراجها فوراً متوقف شود. باید به کارگران بیکار بیمه

از حال و هوای دیگری در جنبش کارگری بود. من در اینجا نگاهی به این چند حرکت اعتراضی خواهم داشت.

کارگران چینی مهدی یزد کارخانه را تحت کنترل گرفتند

کارگران چینی یزد ۴ روز تمام هیات مدیره کارخانه را در کارخانه نگاهداشتند تا به خواست آنها یعنی دستمزدهای پرداخت نشده پاسخ داده شود. رژیم در مقابل این حرکت سکوت کرد. دادستانی از ترس گسترش اعتراض با حکم جلب هیات مدیران به کارخانه آمد و آنها را بعنوان خاطی که دستمزد کارگران را نپرداخته است به زندان برد و کارگران گفتند اگر دستمزدهایشان پرداخت نشود به اعتراضشان ادامه خواهند داد.

واقعیت اینست که در چند سال اخیر که مساله دستمزدهای پرداخت نشده به امری معمول و رایج تبدیل شده و مبارزه بر سر آن يك موضوع دائمی اعتراض کارگران بوده است، چنین نوعی از اعتراض و حرکت را شاهد نبوده ایم. اعتراض بر سر این موضوع وسیع و هر روزه بوده، اما کارگر با چنین قدرتی در مقابل دولت و کارفرمایان قرار نگرفته است. اینکه امروز کارگران در چینی مهدی یزد این چنین مصمم و قاطع قدم علم میکنند، نشان دهنده توازن قوای سیاسی امروز جامعه است. نشان دهنده اینست که امروز میتوان و باید مثل کارگران چینی مهدی به اعتراض برخاست و خواهان پرداخت فوری دستمزدهای پرداخت نشده شد. نزدیک به يك میلیون کارگر با مساله دستمزدهای پرداخت نشده روبرویند، حرکت اعتراضی کارگران چینی مهدی پیام آور يك حرکت وسیعتر بر سر این موضوع بود و نشان داد که امروز روزی است که باید اعتراضی سراسری علیه دستمزدهای پرداخت نشده و افزایش فوری سطح نازل دستمزدها به پا کرد. مبارزه کارگران چینی مهدی یزد یکبار دیگر شیپور این مبارزه را بصدا درآورد.

کارگران کارخانه ذوب روی در قشم در حمایت از همکاران اخراجی خود برخاستند

یک موضوع دائمی اعتراض در دو

زیان آور دست به اعتراض زدند و هشت کیلومتر راهپیمایی کردند. کارگران قصد داشتند که در برابر اداره کار این شهر تجمع کنند و خواست خود را پیگیری کنند. این حرکت در کل منطقه انعکاس وسیعی یافت. نیروهای انتظامی مانع تجمع کارگران شدند. اما در روز بعد از حرکت گفته شد که مدیران این شرکت بر خواست کارگران توافق دارند و از کارگران خواستند که به سرکارشان بازگردند. کارگران با بیرون آمدن از کارخانه و راهپیمایی و متوجه کردن مردم به اعتراض و مبارزه شان برگه برنده ای در دست داشتند که در مقابل آن مدیریت کارخانه ناگزیر به عقب نشینی بود. رژیم تجربه حرکتی چون چیت بهشهر که بحران بهشهر نام گرفت را در پشت سر دارد و از اینکه اعتراض کارگران در یکجا به حرکت کل مردم در يك شهر تبدیل شود بیم دارد. این را در برخورد رژیم به تحصن کارگران سنندج نیز شاهد بودیم و عقب نشینی فوری مدیریت کشت و صنعت کارون در برابر کارگران در واقع پیشگیری از وقوع چنین خطری بود.

اعتصاب و مبارزه کارگران، تشکیل کمیته حمایت از اعتصاب کارگران و کشیده شدن مساله کارگران به راس مسایل سیاسی در جامعه بود. میتوان تصور کرد که اگر این تحصن دو روز بیشتر بطول میکشید، ما شاهد گسترش این حرکت به محلات در شهر سنندج و شکل گیری صندوق های مالی همبستگی با اعتصاب کارگران و اعتصاب های حمایتی از اعتصاب کارگران در نساجی سنندج بودیم. تحصن کارگران سنندج اشکال پیشرفته تری از مبارزه و اتحاد و همبستگی مبارزاتی از خود به جا گذاشت. تشکیل کمیته های حمایت از اعتصابات کارگری، صندوق های همبستگی مالی و اعتصابهای حمایتی و پیامهای حمایتی همه و همه اشکال مختلفی از سازماندهی همبستگی مبارزاتی است. تحصن سنندج شروعی بود برای دامن زدن به چنین اشکالی از اعتراض و مبارزه.

کارگران کشت و صنعت کارون ۸ کیلومتر راهپیمایی کردند

کارگران کشت و صنعت کارون در همین هفته در اعتراض به شمرده نشده کارشان جزو مشاغل سخت و

سوسیالیسم بپا خیز
برای رفع تبعیض!

در گذشت عرفات پایان یک دوره در جنبش فلسطین

با مرگ یاسر عرفات یک دوره در جنبش مقاومت مردم فلسطین پایان میرسد. عرفات رهبر الفتح و قدیمی ترین و سرشناس ترین نماینده جنبش فلسطین برای رسیدن به حق ملی خود و ایجاد یک دولت فلسطینی بود. با مرگ او نقش و وزن ناسیونالیسم معتدل عرب در حل مساله فلسطین بیش از پیش کم رنگ و حاشیه ای میشود.

عرفات نیز مانند خود سازمان الفتح در ده های آخر حیات سیاسی اش از یک ناسیونالیسم چپ در دهه ۶۰ و ۷۰، که پایگاه نسبتاً وسیعی در میان آوارگان فلسطینی داشت، به

راست سوق یافته و رابطه خود با توده مردم فلسطین را بیش از پیش از دست داده بود. او نیز تقریباً مانند همه رهبرانی که چند دهه قبل شاخه چپ جنبشهای ملی را نمایندگی میکردند، پس از فروپاشی شوروی تماماً به راست چرخید و امر ملت و کشورسازی برای فلسطینیان را با نوعی ناسیونالیسم مذهبی میان راه، رو، دنبال کرد. از اواخر دهه هشتاد پرچم رادیکالیسم در جنبش فلسطین، ابتدا برای مدت کوتاهی با عروج جنبش انتفاضه خود را بیان کرد و سپس تقریباً به تمامی بدست اسلام سیاسی و سازمانهای تماماً ارتجاعی نظیر حماس و حزب الله افتاد. الفتح و عرفات بعنوان یک

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۱ نوامبر ۲۰۰۴، ۲۱ آبان ۱۳۸۳

۱۶ آذر روز آزادی و برابری روز نه به جمهوری اسلامی است

۱۶ آذر روز آزادی و برابری

۱۶ آذر روز دانشجو، روز اتحاد ما حول آزادی و برابری است. آزادی و برابری پرچم اتحاد ما است.

۱۶ آذر روز مبارزه برای لغو حجاب اجباری، لغو آپارتاید جنسی و علیه خفقان و سرکوب است.

۱۶ آذر روز اعتراض کل جامعه به جمهوری اسلامی است، روز مقابله با تعرضات جمهوری اسلامی به دانشجویان، جوانان، کارگران، معلمان و کل جامعه است.

۱۶ آذر را به روز اعتراض همگانی علیه جمهوری اسلامی تبدیل کنیم.

۱۶ آذر روز همه ما است.

به استقبال برپائی باشکوه این روز برویم.

مرگ بر جمهوری اسلامی آزادی، برابری، حکومت کارگری زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران

سازمان جوانان کمونیست

۳۱ اکتبر ۲۰۰۴، ۱۰ آبان ماه ۱۳۸۳

بمباران مردم بیدفاع فلوجه محکوم است!

فلوجه پرده ای دیگر از سناریوی سپاه در عراق است. وضعیتی که نتیجه مستقیم جنگ آمریکا و موثلفینش در عراق است. قبل از حمله اخیر به شهر که از دوشنبه با بیش از بیست هزار نیروی نظامی ارتش آمریکا و ارتش تازه تاسیس عراق آغاز شد، اعلام کردند که مردم شهر را ترك کنند. عده زیادی از مردم فلوجه آواره شدند و دهها هزار نفر در شهر باقی ماندند. بمباران شهر با شدت و قساوت ادامه دارد و آمار تلفات مردم و "شبه نظامیان" بنا به گزارشات دو تا سه هزار نفر گزارش شده است. از سوی دیگر تروریستهای اسلامی با جمع آوری پول به اسم خیریه و کمک های مالی امثال جمهوری اسلامی تلاش میکنند در وضعیت فلاکتبار امروز عراق سربازگیری کنند و جهاد کثیف اسلامی را پیش ببرند.

این جنگ تماماً علیه مردم است و نه ربطی به عملیات آزادی عراق دارد و نه دفاع از حقوق مردم عراق. این جنگ دو ارتجاع و دو نیروی سناریوی سپاه است. این جنگ باید از محل زندگی و کار مردم بیرون برده شود. بمباران فلوجه باید فوراً متوقف شود.

حزب کمونیست کارگری ایران بمباران مردم بیگناه فلوجه را محکوم میکند و از مردم آزادیخواه در عراق و در سراسر جهان میخواند علیه توحش میلیتاریستی آمریکا و دولت عراق و نیروهای تروریستی اسلام سیاسی به میدان بیایند و از یک عراق آزاد و برابر و سکولار دفاع کنند.

نه به تروریسم آمریکا نه به تروریسم اسلامی

آزادی، برابری، حکومت کارگری

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۰ آبان ۱۳۸۳ - ۱۰ نوامبر ۲۰۰۴



یک خبر تکان دهنده، یک اظهار نظر وقیحانه

این کودکان قربانیان مستقیم حکومت اسلامی سرمایه داران هستند!

در زیر حکومت اسلامی سرمایه، تعداد وسیعی از کودکان، به جای مدرسه و محیط بازی همه روزه در کارگاهها و کارخانه ها به سبانه ترین شکل مورده بهره کشی قرار میگردند!

حکومت اسلامی را باید بزیر کشید. کودکان را باید از شکنجه گاه اسلامی سرمایه داران نجات داد!

مرگ بر جمهوری اسلامی

۱۵ کودک در یک کارگاه زیرزمینی تولید کفش در اکبرآباد به علت مواد حلال در چسب مصرفی در این کارگاه فلج شدند. این چسب مصرفی مدتهاست که در هیچ جای دنیا استفاده نمی شود.

مسئولین حکومت اسلامی در مورد امکان غرامت گرفتن این کودکان از کارفرما گفته اند: غرامت در صورت شکایت کارگران پرداخته می شود. این کار غیرقانونی است چرا که این کارگران اغلب زیر ۱۵ سال بوده اند بنابراین کارکردن آنها براساس قانون موجود در وزارت کار غیرقانونی بوده است!

یاد نیز عزیز گرامی باد

رفقا پروانه و عمر و زرتشت عزیز

تاسف و تسلیت عمیق مرا به خاطر درگذشت نابهنگام و دردناک فرزند و برادر عزیزتان نیز بپذیرید. نیز یک جوان کمونیست پرشور و صادق و دوست داشتنی بود و از دست دادن او برای همه رفقایش در حزب ما و در سازمان جوانان کمونیست یک ضایعه سخت و دردناک است. یاد عزیز نیز برای همه ما همواره گرامی و فراموش نشدنی خواهد بود.

برایتان آرزوی شکیبایی و سلامتی دارم.

حمید تقوایی

۶ نوامبر ۲۰۰۴

درگذشت نیز احمد زاده را تسلیت میگوییم

با کمال تاسف با خبر شدیم که رفیق نیز احمد زاده بر اثر یک بیماری خونی امروز جمعه ۵ نوامبر در بیمارستان در گذشته است. نیز یکی از کمونیستهای جوان و پرشور و فعالی بود که پیرامون خود احترام و دوستی و مناسباتی بسیار انسانی ایجاد میکرد و همین خصوصیات به او نفوذ کلام و قدرت تاثیر گذاری بیشتری میداد. با مرگ نا بهنگام او همه ما در حزب کمونیست کارگری ایران یکی از دوستان خوب خود را از دست دادیم. نیز هنگام مرگ سی سال بیشتر نداشت و از همان سنین نوجوانی در صفوف حزب کمونیست کارگری ایران و سازمان جوانان کمونیست بعنوان کادری دلسوز و توانا با از خودگذشتگی و صمیمیت بسیار در موقعیت های مختلف فعالیت داشت. درگذشت نیز عزیز را به رفقا پروانه، عمر احمد زاده، زرتشت احمد زاده و بقیه خانواده او و همه بستگان و دوستانش صمیمانه تسلیت میگوییم و خود را عمیقاً در غم آنها شریک میدانیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۴ نوامبر ۲۰۰۴

رادیو انترناسیونال

۴۱ متر ردیف ۲۴۹۰ کیلوهرتز

هر شب ساعت ۹ به وقت تهران



در حاشیه اخبار

ناصر اصغری

nasser_asgary@yahoo.com

"انتخابی برای ترک کشور!"

براینت اروستد، ستون نویس مجله لیبیرال آمریکائی، Harper's Magazine در شماره اکتبر این مجله مطلبی دارد تحت عنوان "انتخابی برای ترک کشور!"; و به ترک آمریکائی هایی می پردازد که هر دوره بعد از انتخاب نماینده حزب جمهوریخواه به ریاست جمهوری، پاسپورت آمریکائی خود را بعنوان اعتراض پاره می کنند و به کشورهای دیگری مهاجرت می کنند. در دهه ۷۰ حدوداً ۲۰ هزار نفر تنها به کانادا مهاجرت می کردند. در دوره های اخیر نیز بطور متوسط حدوداً ۵ هزار نفر، که بدلیل سختگیریهای اداره مهاجرت کانادا کاهش یافت، به این کشور مهاجرت می کنند.

این هم خودش انتخابی است، اما انتخابی است پاسیفیستی. آنچه که جامعه آمریکا احتیاج دارد، راه برون رفت از این دور تسلسلی است که نه تنها آمریکا بلکه جهان را نیز به قهقرا می برد. چه آمریکا باید راهی برای خروج از توحش راست مذهبی بیابد.

تنها دستاورد بزرگ آن انقلاب نبود. آن معدود حقوقی که امروز بشریت مدرن از آن بهره می برد، به درجه زیادی حاصل دستاوردهای مستقیم یا غیرمستقیم انقلاب اکتبر است. سالگرد این بزرگترین انقلاب کارگری جهان را هر کارگری در هر گوشه ای از جهان جشن می گیرد. بشر هیچگاه به اندازه امروز به اکتبر دیگری نیازمند نبوده.

۱۰۰ هزار غیرنظامی ناقابل!

براساس تحقیقی که دانشگاه جان هاپکینس بعمل آورده و در شماره اکتبر مجله پزشکی لانست چاپ شده، از آغاز جنگ آمریکا علیه عراق تاکنون ۱۰۰ هزار نفر از غیرنظامیان عراقی که اکثر آنان کودک و زن می باشند، جان خود را از دست داده اند. گزارش هائی غیررسمی نیز از ۲۰۰ هزار نفر خبر می دهند که بخش وسیعی از آنها در شهر فلوجه جان خود را در این مدت از دست داده اند.

اکنون که دارم این یادداشت را می نویسم، پیش بینی میشود که

کنترل کارخانه توسط کارگران در یزد و اجتماع کارگران در کاشان

جهان به اکتبری دیگر احتیاج دارد!

کاشان دست به اعتراض و تجمع می زند. هفته پیش نیز تجمع مشابهی برگزار شد. رئیس تامین اجتماعی کاشان گفته است که رسیدگی به خواست کارگران در حیطة کار این دفتر نیست و نیاز به تصویب قانونی از جانب دولت و مجلس دارد. کارگران خواهان تحقق فوری خواست خود هستند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۲ آبان ۱۳۸۳ - ۲ نوامبر ۲۰۰۴

بافندگی و مخمل ابریشم هستند با اجتماع در مقابل دفتر تامین اجتماعی شعبه کاشان خواهان مشمولیت قانون بازتستنگی پیش از موعد بدلیل مشاغل سخت شدند. از آنجایی که کارگران مدتی بیمه بیکاری دریافت کرده اند این نگرانی وجود دارد که شامل این قانون نشوند و از همین رو می خواهند که ایام دریافت بیمه بیکاری نیز بخشی از سابقه کاری آنها قلمداد گردد. این برای چندین بار در ماههای اخیر است که کارگران

نگرفتند، به این نتیجه رسیدند که در کارخانه بمانند و مدیران را نیز در کارخانه نگهدارند. کارگران اعلام کرده اند که ۸ ماه بی حقوقی و جواب سریالا، راه دیگری در مقابل آنها نگذاشته است جز اینکه با نگهداشتن مدیران هر چه سریعتر خواست کارگران عملی شود. مدیرانی که در محل دفتر خود در کنترل کارگران قرار دارند، از دولت و بانک صادرات تقاضای کمک کرده اند تا حقوق کارگران را بپردازند.

بنا به خبر دیگری، امروز ۱۲ آبان ماه جمعی از کارگران کاشان با برپایی یک اجتماع اعتراضی خواهان رسیدگی به خواست خود شدند. این کارگران که از صنایع ریسندگی و

از روز ۹ آبان ماه کارگران کارخانه چینی مهدی یزد در اعتصاب و مبارزه برای گرفتن ۸ ماه حقوق معوقه خود بسر می برند. کارگران در حال حاضر کنترل کارخانه را برای چهارمین روز در اختیار خود دارند و به مدیران اجازه خروج از کارخانه را نمی دهند. کارگران از اول سال و به مدت ۸ ماه حقوقی دریافت نکرده اند و از این بابت بسیار خشمگین هستند. پس از ۵ ماه تعطیلی کارخانه زمانی که مدیریت از کارگران خواست تا به سر کار برگردند، کارگران مشکل چندین ماه بی پولی و بلا تکلیفی را مطرح کردند و با مدیریت درگیر شدند. کارگران که جواب قانع کننده ای

مارکس در "جنگ داخلی در فرانسه" می گوید: "اقدام اجتماعی بزرگ کمون، نفس وجود و عمل او بود." بدون شك نفس وجود انقلاب اکتبر نیز یکی از معدود اتفاقات بزرگ تاریخ بشریت بوده است. جدا از اینکه در امتداد خود این انقلاب تا چه حد توانست مطالبات توده های انقلابی را عملی کند، اراده کارگران برای بزیر کشیدن تزار و کنترل زندگی خودشان، عملی بود که به بشریت به انقیاد کشیده شده امید رهائی داد. یکی از رسانه های بزرگ دنیا مرگ لنین را چنین خبر داد: "لنین، مردی که یکی از بزرگترین انقلابات جهان را رهبری کرد، درگذشت!". اما انقلاب اکتبر تنها مردم روسیه را از آن زندگی جهنمی نجات نداد؛ و لنین

Tel: 0044-779-1130-707

Fax: 0044-870-135-1338

Email: markazi@ukonline.co.uk

دفتر مرکزی حزب

در حاشیه رویدادها

کاظم نیکخواه



فلوجه در آتش میسوزد!

شهر فلوجه در عراق چندین روز است به صحنه جنگی تمام عیار میان ارتش آمریکا و جریانان مختلف تروریستی تبدیل شده است. بیش از پانزده هزار نیروی تا دندان مسلح ارتش آمریکا با هزاران تروریست ایضا تا دندان مسلح شهر کوچک فلوجه را به میدان جنگ متقابل تبدیل کرده اند. فلوجه در آتش میسوزد. فلوجه در ماههای اخیر به پایگاه نظامی جریانان تروریست اسلامی و یعنی تبدیل شده بود و نیروهای آمریکائی و دولتی عراق با به محاصره در آوردن این شهر و دست زدن به یک جنگ تمام عیار هوایی و زمینی میخواستند کنترل شهر را به هر قیمتی باز پس گیرند. بمباران های پی در پی و مداوم هوایی و شلیک توپخانه به سوی این شهر طی چند روز اخیر یک لحظه قطع نشده است. امدادگران بین المللی میگویند بسیاری از مردم نه امکان فرار از صحنه جنگ را دارند و نه امکان دسترسی به دارو و مواد غذایی وجود دارد. از شمار تلفات مردم غیر نظامی هیچ آماری در دست نیست اما تردیدی نیست که یک فاجعه انسانی در این شهر ۲۵۰ هزار نفری در حال وقوع است.

در فلوجه مردم از دو سو به گروگان گرفته شده اند. نقشی در جنگ ندارند و هیچ چیزی جز نابود شدن زندگی خویش از این کشاکش بیرحمانه و خونین نصیبشان نمیشود. فلوجه اما تنها نیست. مردم عراق در منگنه جنگ میان تروریستهای اسلامی و ناسیونالیست، و نیروهای نظم نوین آمریکایی دارند مجاله میشوند. دو جبهه ضد انسانی با پیشرفته ترین سلاحهای کشتار مردم را به گروگان گرفته اند. حتی راهی و جایی برای فرار باقی نگذاشته اند.

تجربه اما نشان داده است که تمام این ارتشها و پادگانها و جوخه های ترور را اعتراض مردم متحد میتواند عقب براند و از کار بیندازد. به این تجربه باید باور کرد. به این تجربه باید روی آورد. جهان متمدن باید علیه هر دو سوی این کشتار قاطعانه پا به میدان بگذارد و از

مردم فلوجه و همه مردم بی دفاع عراق قاطعانه و متحدانه دفاع کند.

"بیه حضرت بوش شادباش میگویم"

مصطفی هجری دبیر کل حزب دموکرات کردستان ایران در پیام شادباشی به جرج بوش بخاطر انتخاب مجددش به ریاست جمهوری آمریکا، از او خواسته است در دور جدید ریاست جمهوری به یاری مردم ایران بشتابد و جمهوری اسلامی را سرنگون کند. ایشان پیامشان به "حضرت جرج بوش" را از جانب مردم کردستان و ایران فرستاده اند! دبیر کل "حزب مشروطه ایران" داریوش همایون نیز که بنا به گزارش نشریه "شهروند" یکی از فعالان کمپین دفاع از بوش در انتخابات اخیر بوده است و فعالانه برای پیروزی بوش تلاش کرده است در مصاحبه ای با همین نشریه در تاریخ ۶ نوامبر میگوید "مردم ایران در بوش یک مبارز ضد جمهوری اسلامی می بینند و به او امیدوار هستند".

براستی جدا از هر چیز به کسانی که با مشاهده سرنوشت دردناک مردم عراق بعد از حمله آمریکا، هنوز انتظار ورود ارتش بوش به ایران را میکشند چه باید گفت جز اینکه شرم هم چیز خوبی است.

اپوزیسیونهای بورژوازی امثال حزب دموکرات کردستان و جریانانی مثل حزب مشروطه تنها راه به بازی گرفته شدن خود را جابجایی قدرت از بالا و پیاده شدن سناریوی نظم نوین آمریکائی در ایران می دانند و حق هم دارند. میدانند که اگر مردم میدان دار باشند اینها به بازی گرفته نخواهند شد. آنچه اینها بهیچ وجه حق ندارند و مجاز نیستند اینست که از جانب مردم ایران که مستقیماً دست به کار مبارزه ای در همه عرصه ها برای خلاص شدن از شر جمهوری اسلامی با قدرت انقلاب خویش هستند، به جرج بوش و امثال او پیام و فراخوان بدهند.

یاسر عرفات درگذشت!

یاسر عرفات رهبر سازمان

آزادبیش فلسطین در بیمارستانی در پاریس در سن ۷۵ سالگی درگذشت. عرفات به یک بیماری خونی مبتلا بود و چند روز پیش با یک هواپیمای ارسالی از جانب دولت فرانسه به یک بیمارستان نظامی در حومه پاریس منتقل شد تا تحت معالجه قرار گیرد. در چند روز گذشته چندین بار مرگ عرفات اعلام و تکذیب شده بود. عرفات که نام اصلی او "محمد یاسر عبدالرئوف قدوه الحسینی" میباشد از چهره های بسیار قدیمی جنبش فلسطین است و در سال ۱۹۶۴ سازمان "الفتح" را به همراه چند تن دیگر از فعالین ضد اسرائیلی برپا کرد و از سال ۱۹۶۹ به ریاست کمیته اجرائی این سازمان انتخاب شد و تا هنگام مرگ خود این سمت را دارا بود. "الفتح" جبهه ای بود که جریانان رنگارنگی از چپ و راست و اسلامی را در بر میگرفت. عرفات عملاً در تلاش پایان دادن به جنگ و کشاکش چند ده ساله بین اسرائیل و فلسطینیان بود و در سال ۹۳ با امضای یک قرار داد صلح با اسحاق رابین و شیمون پرز به تائیدی "نابودی اسرائیل" خط بطلان کشید.

با مرگ عرفات مفسرین متفقاً نگرانی خود را از گسترش یک جنگ قدرت میان جناحهای فلسطینی و میدان دار شدن هرچه بیشتر جریانان تروریست اسلامی مثل حماس و حزب الله ابراز میکنند. در واقع هم عرفات تنها کسی از جناح میانه جنبش فلسطین بود که آخرین پیوندها را با جریانان تند رو اسلامی نظیر حماس و حزب الله متصل نگه داشته بود. با مرگ او این پیوند نیز گسسته خواهد شد. اما دولت شارون و بوش که از چهار پنج سال پیش تاکنون خصومتی عمیق را نسبت به عرفات ابراز کرده اند و حتی به تلاش ناموفقی برای کنار زدن کامل او از صحنه سیاست فلسطین دست زدند، به آینده صلح پس از مرگ عرفات ابراز خوش بینی کرده اند. در واقع تا زمانی که مردم فلسطین و جهان نقش فعالی برای پایان دادن به جنگ قومی و مذهبی دهها ساله ایفا نکرده اند، ادامه جنگ، گسترش آن و یا عملی شدن سیاست سازش، اساساً به طرف قوی

تر و عامل اصلی جنگ یعنی دولت اسرائیل و حکومت آمریکا گره خورده است. عرفات علیرغم تلاش غیر قابل انکارش برای سازش با آمریکا و اسرائیل و ایجاد دولت

مستقل فلسطینی، پیشروی محسوسی نتوانست به دست بیاورد. مرگ او نیز موازنه را حداقل در کوتاه مدت دستخوش تغییری اساسی نخواهد کرد. *

کمک مالی به تلویزیون و رادیو انترناسیونال

لیست ۱

- مهوش گلپریان ۱۰۰۰ یورو
- صابر رحیمی ۵۰۰۰ کرون
- بابک یزدی ۲۰۰۰ دلار کانادا
- یدی محمودی ۱۱۰۰ دلار
- رضا پایدار ۵۰۰ دلار
- جمشید هادیان ۴۵۰ دلار
- مینا بهروزی ۱۰۰ دلار ماهانه
- سهراب وفا ۵۰۰ دلار
- ستار نوریزاده و یاسمین ۵۰۰ دلار
- رحیم پزدا نپرست ۱۰۰۰۰ کرون
- کریم نوری ۳۰۰۰ کرون
- تاتی لاری ۳۰۰۰ کرون
- بهروز مهرآبادی ۵۰۰۰ کرون

جانباختن یک کودک و یک جوان زیر ضربات شلاق

شدگان که به وسیله یگانهای ویژه و نیروی منکرات دستگیر می شوند محکوم به ۳۰ ضربه شلاق و ۵۰۰۰۰ تومان جریمه نقدی شده اند و در صورت نداشتن این مبلغ، باید فرد دستگیر شده بابت هر روز ۵ هزار تومان یک روز در زندان بماند.

دستگیر شدگان انگشت نگاری می شوند و از آنها عکس می گیرند. بر اساس این پرونده سازی به جوانان اعلام می کنند که در آینده مشکل اشتغال خواهند داشت.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ضمن محکوم کردن این جنایات به خصوص دستگیری و اذیت و آزار کودکان و جوانان به جرم روزه خواری، جمهوری اسلامی را مسئول مستقیم جانباختن این دو جوان دانسته و همه مردم آزادیخواه کردستان را فرامیخواند در برابر این تعرضات رژیم و دستگیریهای اخیر یک صدا و متحد اعتراض کنند و با

اعتراض و مقاومت خود در برابر یورش نیروهای سرکوبگر به جوانان، جمهوری اسلامی را وادار به عقب نشینی نمایند.

کمیته کردستان

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۰ آبان ۱۳۸۳ - ۱۰ نوامبر ۲۰۰۴

طبق گزارشات رسیده به کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران، جمهوری اسلامی طی روزهای اخیر دستگیریهای وسیعی را در سطح شهر آغاز کرده است. جرم این دستگیر شدگان روزه خواری در ملاء عام اعلام شده است.

این گزارشات حاکی است که ۵ شنبه گذشته یک جوان ۲۱ ساله به جرم روزه خواری دستگیر و محکوم به شلاق شد. متأسفانه این جوان زیر ضربات شلاق جان باخته است.

طبق گزارش دیگری که امروز ۲۰ آبان به دست ما رسیده دختر بچه ۱۴ ساله ای به جرم روزه خواری دستگیر شده و محکوم به ۳۰ ضربه شلاق می شود. وی زیر ضربات شلاق بی هوش شده و تن نیمه جان این کودک را به بیمارستان می رسانند که شب همین روز در بیمارستان جان باخته است.

روز یکشنبه یک کودک ۱۱ ساله به جرم روزه خواری توسط نیروهای انتظامی در خیابان فردوسی دستگیر می شود که با اعتراض خانواده وی روبرو میشود. خانواده وی و مردم موفق می شوند این کودک ۱۱ ساله را از مقر نیروهای انتظامی آزاد نمایند. دستگیر